

عوامل و پیامدهای جامعه‌شناختی تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری در دهه اخیر در ایران

منصوره مهدی‌زاده*

محمد توکل**

چکیده

مقاله حاضر به دنبال بررسی عوامل و پیامدهای جامعه‌شناختی تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری در دهه اخیر در ایران بود. روش به کار گرفته شده کیفی و در چارچوب پدیدارشناسی بود. ابتدا با روش اسنادی، پیشینه تجربی و نظری پژوهش بررسی و عوامل و پیامدهای جامعه‌شناختی تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی مرور شد، سپس این عوامل و پیامدها در مصاحبه‌ای به روش گروه متمرکز با ۱۰ تن از صاحب‌نظران و مسئولین آموزش عالی، مورد پرسش قرار گرفت. در نهایت یافته‌های پژوهش در دو بخش عوامل و پیامدهای جامعه‌شناختی تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری استخراج گردید. عوامل تقاضای اجتماعی به‌طور کلی عبارت شدند از: «عوامل فردی- خانوادگی» و «عوامل محیطی». عوامل خانوادگی شامل آداب‌ورسوم و خلیقات شد و عوامل فردی عبارت شدند از ارزش‌تعلق، ارزش‌ذاتی، ارزش‌کارکردی و ارزش‌مبادله‌ای قائل شدن برای تحصیل در دوره دکتری. عوامل محیطی نیز شامل عوامل تاریخی، عوامل نهادی، عوامل اقتصادی و عوامل اجتماعی- فرهنگی شد. پیامدهای این پدیده که در دو دسته مثبت و منفی قرار داده شد نیز شامل پیامدهای علمی- آموزشی، پیامدهای اجتماعی- فرهنگی و پیامدهای اقتصادی شدند. در پایان نیز با توجه به عوامل استخراج‌شده پیشنهادهایی جهت حل مسئله افزایش تقاضای اجتماعی آموزش عالی در دوره تحصیلات تکمیلی ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: ادامه تحصیل، پیامدهای جامعه‌شناختی، تقاضای اجتماعی، دوره دکتری، عوامل جامعه‌شناختی

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران در دانشگاه تهران است.

* دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه تهران

** استاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، Mtavakol@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۲

مقدمه

توسعه آموزش عالی واقعیت مسلم نیمه دوم قرن بیستم و دوران حاضر بوده است. پاسخ به تقاضای توده به بسیاری از تغییرات اساسی چندین دهه گذشته منتج شده است. علت توسعه آموزش عالی با چنین سرعتی در چیست؟ پاسخ این پرسش دارای چندین جنبه است که با تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دنیا در ارتباط می‌باشند. شاید پرقدردترین عامل پیش برنده این توسعه میزان تقاضای مردم برای دسترسی به آموزش عالی باشد و در بسیاری از کشورها به آموزش عالی به‌عنوان ضرورتی برای تحرک اجتماعی و موفقیت اقتصادی نگاه می‌شود (آلتباخ، ریسبرگ و رامبلی، ۱۹۴۱، ترجمه سعیدآبادی و احمدخانلو، ۱۳۹۳)

بررسی‌های آماری نشان‌دهنده افزایش تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری در ایران است. تعداد دانشجویان دکتری کشور طی دهه گذشته، حدوداً ۶ برابر افزایش یافته است. تعداد کل دانشجویان کشور در دوره دکتری در سال تحصیلی ۱۳۸۵-۱۳۸۴ معادل ۱۶۲۰۷ نفر و در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ بالغ بر ۱۱۵۱۹۱ نفر بوده است (موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۶).

ازجمله تغییرات مهمی که در دو دهه اخیر در نظام آموزش عالی در ایران صورت گرفت، توسعه کمی دانشگاه‌ها خصوصاً از حیث میزان پذیرش دانشجو بود. تأسیس دانشگاه‌های غیردولتی، تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های دولتی، به راه افتادن رشته‌های علمی جدید و افزایش تعداد دانشجویان در عموم رشته‌ها باعث شد که در انتهای دهه دوم پس از انقلاب، تعداد دانشجویان و تعداد دانش‌آموختگان حتی با احتساب افزایش جمعیت کشور نیز ضریب رشد بالایی را نشان دهد. همچون بسیاری دیگر از موارد، این رویداد نیز موضوع اختلاف نظر بوده است. بعضی از مسئولان و صاحب‌نظران، این میزان از افزایش کمی را به دلایلی ازجمله افت کیفیت، افزایش دانش‌آموختگان بیکار و ... غیرضروری و غیرمفید تشخیص داده‌اند در مقابل بخشی دیگر از مسئولان و صاحب‌نظران، توسعه ظرفیت‌های پذیرش دانشجو را اجتناب‌ناپذیر دانسته‌اند (مردیها، ۱۳۸۱).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های توده‌ای شدن آموزش عالی در ایران فقدان ارتباط بین افزایش نرخ ثبت‌نام در دانشگاه‌ها و ظرفیت اشتغال در کشور است. افزایش تعداد دانشجویان و گسترش کمی دانشگاه‌ها بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و توان بافت

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی هر منطقه و در نتیجه وجود خیل عظیم دانش‌آموختگان بیکار از جمله موضوعات و چالش‌هایی هستند که نظام آموزش عالی ایران امروزه با آن روبروست (صالحی‌عمران و رحمانی‌قهدریجانی، ۱۳۹۲).

گسترش بی‌رویه تقاضای اجتماعی آموزش عالی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، پیامدهای مخرب بسیاری در سطوح مختلف خرد، میانه و کلان خواهد داشت، از جمله بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، کاهش منزلت علم و عالم، مهاجرت نخبگان، کاهش کیفیت آموزشی و مسائلی از این قبیل؛ لذا هر نوع برنامه‌ریزی برای حل پیامدهای مذکور، مستلزم شناخت عمیق و دقیق ابعاد و عوامل پدیده تقاضای اجتماعی آموزش عالی است؛ از این رو مقاله حاضر در صدد است به فهم جامعه‌شناختی عوامل و پیامدهای تقاضای اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر مقطع دکتری در ایران بپردازد. در راستای دستیابی به اهداف مذکور، در چارچوب کلی جامعه‌شناسی علم، از نظریات انتخاب عقلانی و سرمایه انسانی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده شده است.

«جامعه‌شناسی علم^۱ عبارت است از مطالعه و بررسی در مورد رابطه بین فضای علم و عناصر آن (از قبیل دانشمندان، نهادهای آموزشی و پژوهشی، مؤسسات علم، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، هنجارها و جو علمی) و جامعه (با اجزای افراد، امکانات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دینی، پارامترهای تاریخی، نظامی، فکری و غیر آن)» (توکل، ۱۳۷۰).

با توجه به تعریف مذکور، موضوع مقاله‌ی حاضر به دلیل بررسی تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری، در حوزه کلی جامعه‌شناسی علم قرار می‌گیرد که در آن رابطه بین فضای علم (تقاضای دانشجویان برای تحصیل در دوره دکتری به‌عنوان جزئی از فضای علم) و جامعه (عوامل اجتماعی مؤثر بر این تقاضا) مورد بررسی قرار گرفته است.

نظریه‌ی سرمایه انسانی پایه تحلیل اقتصادی گسترش آموزش عالی است. این نظریه مدعی تبیین سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به‌عنوان کارکردی از تلاش اساسی انسان برای دستیابی به امنیت اجتماعی و توانمندی است؛ زیرا به‌طور کلی فرض شده است که آموزش عالی در طول زمان منجر به درآمد اقتصادی بیشتری می‌شود (صالحی‌عمران، ۱۳۸۳).

1. sociology of science

بر طبق نظریه‌ی سرمایه انسانی می‌توان گفت که افراد آموزش عالی را نوعی سرمایه‌گذاری می‌بینند که منافع آن در آینده نصیبشان خواهد شد؛ از این رو برخی از افراد برای بهبود وضعیت شغلی خود وارد مقطع دکتری می‌شوند، زیرا مدرک دکتری را راهی برای کسب امنیت شغلی، کسب درآمد بیشتر و یافتن شغل مناسب در آینده می‌بینند. در این پژوهش هم‌چنین از نظریه‌ی انتخاب عقلانی استفاده شده است. در نظریه‌ی مذکور، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در این منظر، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعریف و بر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. این افراد آگاه، مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۷).

کرمی، پورکریمی، حاج خزیمه و بابایی (۱۳۹۷) در پژوهشی، عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی را در چهار بعد کلی فردی و خانوادگی، دانشگاهی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگ‌شناسایی کردند و نشان دادند که در تبیین این پدیده، عوامل اقتصادی بیشترین اهمیت و عوامل فرهنگی و اجتماعی کمترین اهمیت را دارند. یافته‌های پژوهش آراسته و شریفی حسین‌آبادی (۱۳۹۱) نشان داد که در بین عوامل فردی و روان‌شناختی، علاقه، خودپنداره‌ی تحصیلی بالا و کسب شناخت، در بین عوامل خانوادگی انتظار والدین مبنی بر افتخارآفرینی فرزندشان، اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده و تمایل والدین، در بین عوامل اجتماعی - فرهنگی، منزلت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، اهمیت دانشجو بودن در میان خویشاوندان و تأثیر دوستان، در بین عوامل اقتصادی یافتن شغل مناسب، کسب درآمد و تلقی کردن تحصیلات به‌عنوان سرمایه‌گذاری و در بین عوامل آموزشی، رشته تحصیلی، تشویق معلمان و رقابت با همکلاسی‌ها به ترتیب مهم‌ترین عوامل افزایش تقاضای آموزش عالی بوده‌اند. قارون در پژوهشی نشان داد که مهم‌ترین چالش‌های تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران عبارت‌اند از: نبود توازن ساختاری عرضه و تقاضا و افزایش تقاضای زنان، عدم توازن تقاضای اجتماعی برحسب گروه‌ها و رشته‌ها با خروجی‌های نظام متوسطه، فشار تقاضا برای ورود به آموزش عالی دولتی (قارون، ۱۳۸۲). پژوهش دیگری از قارون (۱۳۸۱) نشان داد که در سال‌های آتی نیز سهم زنان در کل متقاضیان آموزش عالی روبه افزایش و سهم مردان روبه کاهش خواهد بود. عمادزاده و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی نشان دادند که عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی عبارت‌اند از: ویژگی‌های فردی متقاضیان، محیط خانوادگی، محیط مدرسه،

امکانات و عرضه‌ی خدمات آموزشی و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه. صالحی در پژوهش خود نشان داد که هرچه به دهک‌های درآمدی بالاتر می‌رویم، آموزش عالی از کالایی لوکس به کالایی ضروری برای خانوارهای ایرانی تبدیل شده است (صالحی، ۱۳۹۶).

الیوفوتومنون^۱ (۱۹۹۸) به بررسی عواملی می‌پردازد که باعث می‌شود دانشجویان جوان قبرسی ادامه تحصیل را بر ورود به بازار کار ترجیح بدهند. در نهایت ۷ عامل استخراج شد: عوامل روان‌شناختی- فردی، عوامل شغلی ۱، عوامل شغلی ۲، عوامل اقتصادی، عوامل مصرفی، عوامل مدرسه و دیگران مهم. دهسی (۲۰۱۴) معتقد است که تئوری انتخاب عقلانی تنها به عوامل اقتصادی توجه دارد و در شرایط پیچیده و غیرتکراری که اطلاعات ناقص وجود دارد و عوامل غیراقتصادی نیز دخیل می‌شوند، کاربرد ندارد. پست^۲ (۱۹۹۰) نشان داد که دلایل ورود به دانشگاه در میان گروه‌های جنسی، قومیتی، طبقات اجتماعی و روستاییان و شهریان متفاوت است. یافته‌های مقاله گولپک و کلیانکو^۳ (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی والدین با تقاضا برای تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی رابطه مستقیم وجود دارد.

لیا^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان داد که مهم‌ترین دلایل مؤثر بر عدم تمایل دانشجویان به ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر عبارت‌اند از پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، انتظارات و ساختار خانواده، دلایل مالی و دلایل نهادی. گیاناکیس و بولیونت^۵ (۲۰۱۶) در پژوهشی معتقدند که افزایش تعداد دانشجویان بر زوال کیفیت خدمات آموزش عالی دلالت دارد. بیانچی^۶ (۲۰۱۸) در پژوهش خود معتقد است دسترسی گسترده به آموزش عالی، کیفیت آموزش را تغییر می‌دهد. پژوهش چنگ و جیکوب^۷ (۲۰۱۲) نشان داد که گسترش تحصیلات تکمیلی در تایوان منجر به برابری آموزشی نشده است. لئو، گرین و پنسیرو^۸ (۲۰۱۶) در پژوهششان معتقدند که گسترش سریع تحصیلات تکمیلی در کشورهای با سهم بیشتر بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی در گسترش تحصیلات تکمیلی به چشم می‌خورد.

1. Eliophotou Menon, M.

2. Post, D.

3. Golpek, F., & Kalyoncu, H.

4. Lea, Sh.

5. Giannakis, M., & Bullivant, N.

6. Bianchi, N.

7. Cheng, Sh., & Jacob, W. J.

8. Liu, Y., Green, A., & Pensiero, N.

با بررسی پیشینه داخلی و خارجی مرتبط، عوامل و پیامدهای تقاضای آموزش عالی استخراج شد که به‌طور خلاصه مهم‌ترین عوامل تقاضای آموزش عالی عبارت‌اند از:

- عوامل فردی و خانوادگی شامل ویژگی‌های فردی متقاضیان، علاقه، خودپنداره‌ی تحصیلی بالا و کسب شناخت، انتظار والدین مبنی بر افتخارآفرینی فرزندشان و اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده.
- عوامل دانشگاهی شامل محیط دانشگاه، امکانات و عرضه خدمات آموزشی، رشته تحصیلی، تشویق معلمان، رقابت با همکلاسی‌ها و افزایش سود اعضای هیئت‌علمی برای اخذ موقعیت‌های تدریس.
- عوامل اقتصادی شامل یافتن شغل مناسب، کسب درآمد، گسترش سریع دانشگاه‌های خصوصی، ظهور دانش اقتصاد و نیاز به نیروی کار ماهر.
- عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل پایگاه اقتصادی-اجتماعی والدین، سرمایه فرهنگی و اجتماعی و انگیزه کسب منزلت اجتماعی.

همچنین مهم‌ترین پیامدهای تقاضای آموزش عالی در پیشینه داخلی و خارجی موردبررسی عبارت‌اند از:

- پیامدهای منفی در امور علمی-آموزشی، اجتماعی و فرهنگی
 - کاهش ارتباط بین تحصیلات و پرستیژ شغلی در طول زمان
 - کاهش کیفیت آموزشی
 - افزایش نابرابری آموزشی
- در پژوهش‌های انجام‌شده، عوامل و پیامدهای افزایش تقاضای آموزش عالی در تمام مقاطع آموزشی بررسی شده است؛ اما مقاله حاضر درصدد است به دلیل ویژگی‌های خاص مقطع دکتری، به‌طور خاص به بررسی جامعه‌شناختی عوامل و پیامدهای افزایش تقاضای آموزش عالی در این مقطع بپردازد؛ ازاین‌رو اهداف مقاله عبارت‌اند از:
- بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری.
 - بررسی پیامدهای اجتماعی تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری.

روش

مقاله حاضر به روش کیفی و در چارچوب روش‌شناسی پدیدارشناسی انجام شده است. در روش کیفی از شیوه‌های متنوعی از جمله مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده

می‌شود. «گروه متمرکز»^۱ از کارآمدترین انواع مصاحبه محسوب می‌شود که وجه تمایز آن از سایر مصاحبه‌های کیفی، هم‌افزایی حاصل از تضارب آرا و افکار در جریان آن است. در این مقاله برای جمع‌آوری اطلاعات در کنار روش کیفی با استفاده از تکنیک مصاحبه گروه متمرکز از روش اسنادی نیز به‌عنوان روش مکمل استفاده شده است.

با کاربرد روش اسنادی در مقاله حاضر، پژوهشگر با مطالعه نظام‌مند و منظم داده‌های اسنادی شامل کلیه مقالات داخلی و خارجی، گزارش‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتب در مورد موضوع پژوهش، به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش در پیشینه نظری و تجربی اقدام نمود.

جهت اجرای مصاحبه‌ی گروه متمرکز از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و بر این اساس پژوهشگر به مصاحبه گروهی به روش گروه متمرکز با ۱۰ تن از صاحب‌نظران و مطلعان کلیدی عرصه آموزش عالی شامل اساتید دانشگاه و مسئولین آموزش عالی کشور پرداخت.

با ضبط صدا و پیاده‌سازی کلمه به کلمه گفتگوها، به همراه یادداشت‌برداری، اطلاعات ثبت شد. سپس تحلیل داده‌ها طی فرایندی سه مرحله‌ای و با سه شکل مختلف کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت گرفت. در این فرایند سه مرحله‌ای ولی غیرخطی، ابتدا به مضامین اصلی و اولیه داده‌ها عنوان‌هایی داده شد و سپس از دل آن‌ها مفاهیم و مقولات استخراج گردید، پس از آن، «زیرمقولات»^۲ متعلق به هر یک از مقولات استخراج و از این طریق، خوشه‌های مفهومی تشکیل شد. قابل ذکر است که پژوهشگر در جریان کار دائماً میان سه مرحله از کدگذاری رفت‌وبرگشت داشت.

به‌منظور افزایش پایایی سعی شد با مستندسازی دقیق تمام مراحل، امکان واریسی داده‌ها و فرایند پژوهش وجود داشته باشد. همچنین تکنیک زاویه‌بندی به لحاظ روش (به دلیل استفاده از دو روش مصاحبه و مشاهده) و مثلث‌سازی داده‌ها (به دلیل جمع‌آوری داده‌ها از طیف مناسبی از مصاحبه‌شوندگان) در این کار رعایت شد و برای افزایش اعتبار سعی شد در انتهای هر مصاحبه و بعد از جمع‌بندی نظرات، موارد مجدداً با مصاحبه‌شونده چک شود.

1. focus group

2. subcategories

جدول ۱. مشخصات افراد مورد مصاحبه

| ردیف | مرتبۀ علمی | رشته تخصصی |
|------|------------|-----------------------------|
| ۱ | استادیار | برنامه‌ریزی آموزش عالی |
| ۲ | استاد | برنامه‌ریزی آموزش عالی |
| ۳ | دانشیار | هیدرولیک و مهندسی هیدرولوژی |
| ۴ | استاد | جامعه‌شناسی |
| ۵ | استادیار | جامعه‌شناسی |
| ۶ | استاد | الکترونیک |
| ۷ | استاد | مهندسی شیمی |
| ۸ | استاد | مهندسی شیمی |
| ۹ | استادیار | جامعه‌شناسی |
| ۱۰ | استاد | مدیریت آموزشی |

یافته‌ها

با کدگذاری متون مصاحبه‌ها، ۴ مقوله‌ی اصلی، ۱۲ مقوله‌ی فرعی و ۳۰ زیرمقوله، استخراج شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. یافته‌های حاصل از کدگذاری مصاحبه‌ها

| مقوله اصلی | مقوله فرعی | زیر مقوله | مفهوم |
|---------------------------------|----------------|----------------------------------------------|----------------------------------------|
| عوامل خانوادگی | عوامل خانوادگی | آداب و رسوم و خلیات | رقابت و چشم‌وهم‌چشمی خانواده‌ها |
| | | علاقه فردی | علاقه فردی |
| | عوامل فردی | ارزش ذاتی | تحصیل علم به خاطر نفس علم و یادگیری |
| عوامل محیطی | عوامل فردی | ارزش کارکردی | کسب مدرک |
| | | ارزش مبادله‌ای | به تعویق انداختن سربازی |
| | عوامل تاریخی | تغییرات اجتماعی | خروج از موقعیت فعلی و ساختن آینده بهتر |
| ناشی از وقوع انقلاب اسلامی | | پس از انقلاب | افزایش آگاهی و تغییر نگرش مردم |
| تغییرات اجتماعی | | ایجاد رشته‌های جدید و مأموریت‌های بین‌المللی | دانشگاه‌ها |
| ناشی از مدرنیزاسیون و جهانی شدن | | بدنامی برخی دانشگاه‌های خارج مسائل تحریم | خصوصی‌سازی آموزش عالی |

| مفهوم | زیر مقوله | مقوله فرعی | مقوله اصلی |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------|---------------|------------|
| بیکاری و فقدان شغل مناسب برای فارغ‌التحصیلان | کسب درآمد بهتر | عوامل اقتصادی | |
| | کسب امنیت شغلی | | |
| | ارتقاء شغلی | | |
| پاسخ‌گویی به نیاز دانشگاه و اعضای هیئت‌علمی | فشار دانشگاه‌ها | عوامل نهادی | |
| برای ارتقاء از طریق مقالات دانشجویان دکتری | رقابت دانشگاه‌ها | | |
| رقابت دانشگاه‌ها در بحث ارتقاء، رقابت دانشگاه سراسری با گسترش دانشگاه آزاد | | | |
| تأمین منابع مالی از طریق دانشجویان دکتری نوبت دوم و پردیس در دانشگاه‌های سراسری و راه‌حلی | مشکلات مالی دانشگاه‌ها | عوامل نهادی | |
| برای مشکل تأمین منابع مالی در دانشگاه آزاد | | | |
| ضعف قوانین موجود در خصوص گسترش آموزش عالی و عدم تقید به اجرای آنها | | | |
| سیاست‌ها و تصمیمات اقتضائی و مقطعی، فقدان الگوی فعال و هوشمند سیاست‌گذاری و عدم داشتن یک استراتژی روشن و پایبندی به آن | | | |
| عدم هماهنگی دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های مختلف آنها در بحث سیاست‌گذاری واحد در امر گسترش | قوانین و سیاست‌های انبساطی | | |
| ضعف نظارتی (عدم توانایی و استقلال وزارت علوم در نظارت بر گسترش) | | | |
| فشار گروه‌های سیاسی ذی‌نفوذ برای گسترش و سیاست‌های عوام‌گرایانه در این زمینه | | | |
| افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در مقاطع پایین‌تر که همین افراد در مسیر تحصیلی متقاضی دکتری می‌شوند | | | |
| وابستگی فزاینده نظام بروکراسی به مدرک | فرار از تحقیر اجتماعی | | |
| - | کسب‌شان و حیثیت اجتماعی | | |
| - | عوامل اجتماعی - بالا بردن موقعیت و پایگاه اجتماعی فرهنگی | | |
| - | افزایش بخت و فرصت‌های زندگی (ازدواج دختران) | | |

| مفهوم | زیر مقوله | مقوله فرعی | مقوله اصلی |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------|--------------------------------|---------------|
| افت کیفی دانشجویان دکتری و دوره‌های دکتری | کاهش کیفیت آموزشی | | |
| کاهش تولیدات علمی اساتید | | | |
| کمی‌گرایی و تولید محتوای بی‌کیفیت توسط دانشجویان دکتری بی‌کیفیت | اختلال در عرصه علم | پیامدهای منفی علمی-آموزشی | |
| افزایش سرقت علمی | | | |
| رزومه‌سازی و مقاله‌نویسی، توسل به عوامل بیرونی در انجام تکالیف دوره دکتری | | | |
| هزینه‌های روحی و روانی، فروپاشی عاطفی، سرخوردگی اجتماعی ناشی از بالا رفتن انتظارات جامعه از افراد تحصیل کرده و متقابلاً افزایش انتظارات این افراد از جامعه | افزایش هزینه‌های روحی | | |
| - | افزایش نابرابری اجتماعی | پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی | پیامدهای منفی |
| - | کاهش منزلت علم و عالم | | |
| - | بی‌اعتباری مدرک و صاحب مدرک | | |
| - | افزایش مهاجرت نخبگان | | |
| ناکامی فارغ‌التحصیلان در جذب و استخدام | افزایش بیکاری فارغ‌التحصیلان | | |
| خروج از چرخه خدمت به جامعه، بی‌فایده بودن خروجی دانشگاه‌ها در مقطع دکتری | عدم سودمندی خروجی دانشگاه‌ها برای جامعه | پیامدهای منفی اقتصادی | |
| افزایش هزینه خانواده‌ها | اتلاف منابع، وقت و انرژی | | |
| - | افزایش سطح سواد و معلومات افراد | پیامدهای مثبت علمی-آموزشی | |
| - | افزایش حجم مقالات و پژوهش‌های علمی | | |
| - | افزایش فرصت شکوفایی استعدادهای علمی | پیامدهای مثبت اجتماعی- فرهنگی | پیامدهای مثبت |
| - | دستیابی به برخی شاخص‌های توسعه | پیامدهای مثبت اقتصادی | |

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله حاضر در یک دسته‌بندی کلی در دو دسته عوامل و پیامدهای افزایش تقاضای اجتماعی آموزش عالی در دوره دکتری قرار می‌گیرند. عوامل مؤثر بر افزایش تقاضای اجتماعی آموزش عالی برای دوره دکتری عبارت‌اند از عوامل فردی- خانوادگی و عوامل محیطی؛ که عوامل محیطی خود شامل عوامل تاریخی، عوامل اقتصادی، عوامل نهادی و عوامل اجتماعی- فرهنگی است. پیامدهای اجتماعی ناشی از افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری نیز در دو دسته کلی پیامدهای مثبت و منفی قرار می‌گیرند. پیامدهای مثبت و منفی این پدیده دارای ابعاد علمی- آموزشی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی می‌باشند.

با استفاده از نظریه‌ی انتخاب عقلانی می‌توان گفت که تحصیل در مقطع دکتری، نوعی انتخاب عقلانی است. با تحلیل هزینه و فایده‌های تحصیل در دوره دکتری، افرادی که وارد این دوره می‌شوند آن را مناسب‌ترین ابزار برای دستیابی به اهدافی چون کسب منزلت اجتماعی، بهبود وضعیت شغلی، افزایش درآمد و ارتقاء پایگاه اجتماعی‌شان می‌بینند.

با توجه به نظریه‌ی سرمایه انسانی، آموزش عالی هم دارای ویژگی‌های یک کالای مصرفی است و هم ماهیت سرمایه‌گذاری دارد. مطابق این نظریه دانشجویان پول و وقت خود را به امید کسب عواید بیشتر در آینده سرمایه‌گذاری می‌کنند.

یافته‌های مقاله حاضر نشان داد که یکی از عوامل مؤثر در تقاضا برای تحصیل در دوره دکتری، عوامل فردی و خانوادگی است. در خانواده‌هایی که برای آموزش عالی در دوره دکتری ارزش والایی قائل هستند، فرزندان تقاضای بیشتری برای ادامه تحصیل در این دوره خواهند داشت. پژوهش‌های متعددی مؤید این فرضیه است. تقاضا برای آموزش عالی، انتخاب نوع رشته و طول دوره آموزشی به شدت تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و زمینه‌های اقتصادی خانواده قرار دارد (عمادزاده و همکاران، ۱۳۸۲). عوامل خانوادگی مانند انتظار والدین مبنی بر افتخارآفرینی فرزندان، اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده و تمایل والدین، بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی مؤثر است (آراسته، بهرنگی و شریفی حسین‌آبادی، ۱۳۹۱).

در این رابطه یکی از شرکت‌کنندگان می‌گوید:
«یک نوع ارزش‌گذاری کاذب فرهنگی اجتماعی در سطح خانواده و جامعه نسبت به تحصیل وجود دارد».

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان نیز کسب مدرک دکتری را راهی برای فرار از تحقیر اجتماعی و عقب‌ماندگی از دیگران می‌داند:

«از بقیه عقب‌نمانیم اگر برتر هم نیستیم، تحقیر نشویم. نگویند نتوانست، نشد، نخواست، امکانش را نداشت، مسیری که همه می‌روند برویم.»

عوامل فردی نیز طی دهه اخیر منجر به افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری شده است. نتایج پژوهش‌های متعددی، مؤید تأثیر عوامل و ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی مانند علاقه، خودپنداره‌ی تحصیلی بالا و کسب شناخت بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی است (آراسته و همکاران، ۱۳۹۱؛ عمادزاده، اکبری، جعفری، حقیقی و طالبی، ۱۳۸۲؛ کرمی و همکاران، ۱۳۹۷).

دسته دوم عوامل مؤثر بر تقاضا برای تحصیل در دوره دکتری تحت عنوان عوامل محیطی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از:

۱- عوامل تاریخی: عبارت است از کلیه رخدادها و حوادث کلان تاریخی که منجر به تغییرات اجتماعی عمیقی در سطح نگرش و رفتار مردم شده است. از جمله مهم‌ترین این تغییرات طی دهه‌های اخیر عبارت‌اند از تغییرات ناشی از وقوع انقلاب اسلامی و تغییرات ناشی از جهانی‌شدن بر آموزش عالی.

تغییرات اجتماعی ناشی از انقلاب اسلامی، با ایجاد گفتمان استقلال، برابری و پیشرفت، در طول زمان منجر به افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق خود در زمینه بهره‌مندی از فرصت‌های برابر در دستیابی به آموزش عالی و زندگی در کشوری پیشرفته و مستقل شده است. این تغییرات اجتماعی با تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه منجر به افزایش تقاضای آموزش عالی به‌عنوان ابزاری برای تحرک و ارتقاء پایگاه اجتماعی شده است.

در ایران سلسله نظام‌قشربندی اجتماعی به‌ویژه از دهه‌های پیش از انقلاب اسلامی به زیر سؤال رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی نیز مانند همه انقلاب‌های اجتماعی بزرگ این نگرش تشدید گشت ضمن این‌که امکان جابه‌جایی طبقاتی گسترده شکل گرفت. در این شرایط، معیارهای اکتسابی مانند تحصیلات دانشگاهی راهی برای ارتقاء پایگاه

اجتماعی و اقتصادی افراد شد لذا افراد با انگیزه ارتقاء پایگاهشان سراغ کسب مدارک دانشگاهی رفتند. بالطبع با گذشت زمان، بازار کار از فارغ‌التحصیلان دارای مدارک دانشگاهی لیسانس اشباع شد و لذا افراد به دنبال مدارک دانشگاهی بالاتر رفتند (شالچی، ۱۳۹۲).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که جهانی شدن از طریق فرایندهایی مانند افزایش روابط میان دانشگاه‌های جهان، استاندارد و بین‌المللی شدن مأموریت‌های دانشگاه‌ها، افزایش استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی مانند دوره‌های مجازی و خصوصی‌سازی آموزش عالی بر افزایش تقاضای آموزش عالی تأثیرگذار بوده است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این رابطه می‌گوید:

«بعد از انقلاب می‌خواستیم ثابت کنیم که می‌توانیم در عرصه‌های علمی پیشتاز شویم و ظرفیت‌های دانشگاه را بالا بردند بدون اینکه زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های لازم را داشته باشند با توجه به شرایط و موقعیت کشور ظرفیت‌ها را چند برابر کردند... مردم بعد از انقلاب از حق، عدالت و برابری اجتماعی آگاه شدند و دولت شعار داد لذا مردم مطالبه‌گر و خواستار دانشگاه رفتن شدند، فکر کردند که حقشان است».

ایشان همچنین به تأثیر جهانی شدن بر افزایش تقاضای آموزش عالی نیز تأکید داشته و معتقد است: «با توجه به پیشرفت‌های جهانی، افزایش ارتباطات جهانی و فضای جهانی و شکل گرفتن دهکده جهانی این تغییر در ذهن مردم رخ داد و تقاضا بیشتر شد». ایران نیز همگام با جهانی شدن، توسعه آموزش عالی را در اولویت برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود قرار داده است. با توجه به تقاضای روزافزون برای این نهاد اصلی توسعه و مولد سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی موردنیاز برای تحقق توسعه همه‌جانبه کشور و ناتوانی دولت در تأمین اعتبارات لازم به‌منظور توسعه این بخش، طی ده‌های اخیر اقدام به خصوصی‌سازی آموزش عالی شده است (جمشیدی و آراسته، ۱۳۹۲).

با خصوصی‌سازی آموزش عالی، ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها در دوره دکتری افزایش یافته و بالطبع تقاضا نیز افزایش خواهد یافت.

۲- عوامل اقتصادی: یکی دیگر از عوامل محیطی، عوامل اقتصادی است. منظور از عوامل اقتصادی، عواملی مانند انگیزه بهبود وضعیت شغلی، کسب موقعیت شغلی، فرار از بیکاری و مواردی از این قبیل است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«یکی از فارغ‌التحصیلان ارشد حتماً یکی از دلایلی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری این است که کار نیست هنوز. یقین دارم اگر بازار کار توان جذب داشت خیلی از این‌ها سراغ دکتری نمی‌رفتند».

یافته‌های پژوهش‌های پیشین نیز مؤید تأثیر عوامل اقتصادی بر تقاضای آموزش عالی است. از میان مجموعه متغیرهای مؤثر بر تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، شرایط بازار کار دارای بیشترین تأثیر بر تقاضای اجتماعی است (قارون، ۱۳۸۱). از میان چهار بعد مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی، بعد اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین بعد شناسایی شده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷). یافتن شغل مناسب، کسب درآمد و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی به‌عنوان عوامل اقتصادی مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی شناخته شده‌اند (آراسته و همکاران، ۱۳۹۱).

۳- عوامل نهادی: منظور نهاد دانشگاه و کلیه عوامل مربوط به نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها است. در این خصوص با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به سیاست‌های انبساطی آموزش عالی، فشار دانشگاه‌ها و اساتید برای افزایش دوره دکتری و مشکلات مالی دانشگاه‌ها اشاره کرد.

یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«علت افزایش تقاضای اجتماعی برای ادامه تحصیل در دوره دکتری، سیاست‌های انبساطی آموزش عالی است که ریشه‌ی این سیاست‌های انبساطی و غیرکارشناسی در نداشتن یک استراتژی روشن و پایبندی به آن، مصلحت‌اندیشی مدیران مربوطه، فقدان سیاست‌های مدون و تقید به اجرای آن‌هاست».

نتایج سایر پژوهش‌ها نیز مؤید تأثیر عوامل نهادی بر تقاضای آموزش عالی است. عمادزاده و همکاران (۱۳۸۲) نشان دادند که ازجمله عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی می‌توان به عوامل مرتبط با محیط مدرسه، امکانات و عرضه خدمات آموزشی اشاره کرد. عوامل آموزشی شامل رشته تحصیلی، تشویق معلمان و رقابت همکلاسی‌ها به‌عنوان عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی شناسایی شده‌اند (آراسته و همکاران، ۱۳۹۱).

۴- عوامل اجتماعی - فرهنگی: یافته‌های پژوهش نشان داد عواملی مانند کسب منزلت اجتماعی، ارتقاء پایگاه اجتماعی و فرار از تحقیر اجتماعی در تقاضا برای تحصیل در دوره دکتری مؤثر هستند. پژوهش‌های فراوانی مؤید تأثیر این دسته از عوامل بر تقاضای

اجتماعی آموزش عالی هستند. تأثیر عواملی مانند منزلت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، اهمیت دانشجوی بودن در میان خویشاوندان و اثر دوستان بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی تأیید شده است (آراسته و همکاران، ۱۳۹۱).

در این خصوص یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید:

«فضای فرهنگی ما و ویژگی‌های خلق و خوی ما ایرانیان، فردگرایی و عدم انجام کار گروهی و رقابت‌جویی ما ایرانی‌ها باعث این شده است. پرستیژ مدرک‌گرایی. بحث چشم‌وهم‌چشمی و حسادت میان خانواده‌ها خیلی برجسته است.»

در این پژوهش همچنین پیامدهای منفی و مثبت افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری، استخراج شد. پیامدهای منفی در یک دسته‌بندی کلی عبارت‌اند از: پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی، پیامدهای منفی اقتصادی و پیامدهای منفی علمی - آموزشی.

پیامدهای منفی علمی - آموزشی افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری عبارت‌اند از اختلال در عرصه علم و کاهش کیفیت آموزشی. نتایج پژوهش‌های خارجی نیز مؤید کاهش کیفیت آموزشی همراه با افزایش تقاضای اجتماعی و به تبع آن گسترش آموزش عالی است (بیانچی، ۲۰۱۸؛ گیاناکیس و بولیونت، ۲۰۱۶؛ وارگس^۱، ۲۰۱۱).

یکی از مشارکت‌کنندگان در رابطه با پیامدهای منفی علمی - آموزشی می‌گوید:

«ممکن است این افراد در دنیای علم اختلال ایجاد کند با تولید محتواهای کم‌عمق برای رزومه‌سازی. بعد و سوسه سرقت علمی و بحران اخلاقی این وسط شکل می‌گیرد. علم کیفیت خودش را از دست داده و تولیدات سطحی، یکنواخت، تکراری و بی‌ارزش بیرون می‌آید و یک نوع تدریجی رخ می‌دهد. وقتی فارغ‌التحصیل استاندارد لازم را ندارد این سیکل ادامه می‌یابد و تبدیل می‌شود کم‌کم به یک چیز استاندارد.»

یافته‌های پژوهش نشان داد که پیامدهای منفی اجتماعی - فرهنگی افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری عبارت‌اند از افزایش هزینه‌های روحی و روانی، افزایش نابرابری اجتماعی، کاهش منزلت علم و عالم، بی‌اعتباری مدرک و صاحب مدرک و افزایش مهاجرت نخبگان. نتایج پژوهش‌های مورد اشاره در پیشینه خارجی، مؤید برخی از این پیامدهای منفی است. از جمله این پیامدهای منفی می‌توان به افزایش نابرابری

1. Varghese, N. V.

اجتماعی از طریق دامن زدن به گسترش آموزش عالی در بخش خصوصی اشاره کرد (چنگ و جیکوب، ۲۰۱۲؛ لی، ژوو و فن^۱، ۲۰۱۴؛ لئو و همکاران، ۲۰۱۶).

افزایش تقاضای اجتماعی آموزش عالی همچنین زمینه مهاجرت نخبگان از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته را فراهم کرده است (وارگس، ۲۰۱۱). این پدیده همچنین در طول زمان با توده‌ای شدن آموزش عالی منجر به کاهش منزلت اجتماعی علم و عالم، شده است (کلین^۲، ۲۰۱۶).

پیامدهای منفی اقتصادی افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری بر اساس یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از عدم سودمندی خروجی دانشگاه‌ها و اتلاف منابع، وقت و انرژی در سطح فردی، خانوادگی و اقتصاد ملی.

در نهایت پیامدهای مثبت افزایش تقاضای اجتماعی برای تحصیل در دوره دکتری نیز مشخص شد که عبارت‌اند از افزایش سطح سواد و معلومات افراد، افزایش حجم مقالات و پژوهش‌های علمی، افزایش فرصت شکوفایی استعدادها و علمی و دستیابی به برخی شاخص‌های توسعه.

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود در راستای رفع مشکلات و تنگناهای مالی دانشگاه از خصوصی شدن دانشگاه‌ها حمایت شده و بودجه دانشگاه‌های دولتی افزایش داده شود.

از آنجایی که یکی از عوامل مؤثر بر افزایش تقاضای آموزش عالی، سیاست‌های انبساطی آموزش عالی در سال‌های اخیر بوده است؛ لذا با ایجاد عزم جدی در راستای اجرای دقیق و کامل قوانین، می‌بایست در زمینه دادن مجوزهای گسترش دوره دکتری با سخت‌گیری بیشتر و با توجه به سند آمایش سرزمینی و سایر زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق جغرافیایی کشور عمل شود.

پیشنهاد می‌شود با ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، به تقاضای اشتغال عده‌ای از افراد که برای فرار از بیکاری و کسب موقعیت شغلی وارد دوره دکتری می‌شوند پاسخ داده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با اصلاح قوانین اداری و استخدامی کشور، وابستگی نظام اداری به مدرک کاهش یابد.

در پایان لازم است به محدودیت‌های پژوهش نیز اشاره شود. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش به لحاظ گرفتن وقت مصاحبه گروهی از صاحب‌نظران و مسئولین آموزش

1. Li, F., Zhou, M., & Fan, B.

2. Klein, M.

عالی کشور بود. اغلب این افراد، به دلیل مشغله فراوان در دانشگاه و مسئولیت کاری، فرصت مصاحبه گروهی نداشتند که با پیگیری‌های مکرر، برخی از آن‌ها برای دادن وقت مصاحبه همکاری کرده و برخی دیگر از دادن وقت مصاحبه امتناع ورزیدند. محدودیت دیگر این پژوهش، احتمال تأثیر ذهنیت پژوهشگر بر فرآیند گردآوری، توصیف و تفسیر داده‌ها بود که سعی شد در تمام طول پژوهش با استفاده از تکنیک‌های روشی بر این محدودیت غلبه شود.

منابع

- آراسته، ح.، بهرنگی، م؛ و شریفی حسین‌آبادی، م. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه. *مجله انجمن آموزش عالی ایران*، ۴(۴)، ۱-۲۴.
- آلتباخ، ف.، ریسبرگ، ل؛ و رامبلی، ل. (۱۹۴۱) *روندهای آموزش عالی جهانی: رهگیری یک انقلاب دانشگاهی (گزارشی به سفارش کنفرانس جهانی آموزش عالی یونسکو در سال ۲۰۰۹، چاپ اول. ترجمه محمدرضا سعیدآبادی و پروین احمدخانلو. (۱۳۹۳). تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.*
- توکل، م. (۱۳۷۰). *جامعه‌شناسی و علم، چاپ دوم. تهران: جامعه‌شناسان.*
- جمشیدی، ل؛ و آراسته، ح. (۱۳۹۲). الزامات کلان توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران. *مجله انجمن آموزش عالی ایران*، ۱(۵)، ۱-۳۷.
- جوادی‌یگانه، م. (۱۳۸۷). رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی. *نشریه راهبرد فرهنگ*، ۳، ۳۳-۶۴.
- شالچی و. (۱۳۹۲). عطش منزلتی در جامعه ایرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۲)، ۳۰-۵۶.
- صالحی، م. (۱۳۹۶). کشش درآمدی تقاضای آموزش عالی برای خانوارهای ایرانی. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۳(۲)، ۴۹-۶۹.
- صالحی عمران، الف. (۱۳۸۳). دیدگاه‌های نظری توسعه آموزش عالی. *دوماهنامه علمی پژوهشی دانشور رفتار*، ۱۱(۵)، ۵۵-۶۸.
- صالحی عمران، الف. و رحمانی‌فهدریجانی، الف. (۱۳۹۲). مسئله اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی و ضرورت توجه به مهارت‌های اشتغال‌زایی بازار کار در طرح آمایش آموزش عالی. *مجله انجمن آموزش عالی ایران*، ۵(۳)، ۲۷-۵۸.

- عمادزاده، م.، اکبری، ن.، جعفری، الف.، کارنامه حقیقی، ح. و طالبی، ه. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی (از دیدگاه شرکت‌کنندگان در کنکور ۸۳-۱۳۸۲ در اصفهان). *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، ۲۸.
- قارون، م. (۱۳۸۱). برآورد تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران در دوره ۸۸-۱۳۸۰. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۸ (۴)، ۷۱-۱۱۸.
- قارون، م. (۱۳۸۲). چالش‌های تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران. *مجله مجلس و پژوهش*، ۱۰ (۴۱)، ۲۹۳-۳۲۲.
- کرمی، م.، پورکریمی، ج.، حاج خزیمه، م؛ و بابایی، م. (۱۳۹۷). شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران). *مجله نامه آموزش عالی*، ۴۱، ۳۵-۵۸.
- مردیها، م. (۱۳۸۱). *انتظارات از دانشگاه انبوه*. تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی.
- موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی. (۱۳۹۶). *بخش آمار و اطلاعات، آمارهای آموزش عالی کشور طی دهه اخیر*.

- Altbach, P. G., Reisberg, L., Rumbley, L., (2014). *Global Higher Education Trends: Tracking an Academic Revolution (Report to the UNESCO World Conference on Higher Education 2009)*, First edition. Translated by Saeed abadi & Ahmadkhanloo. Tehran: Institute for Research and Planning for Higher Education. [Persian]
- Araasteh, H., Behrangi, M., Sharifi Hossein Abadi, M. (2012). Studying the factors influencing the decision making of high school students in the fourth year of university education, *Journal of Iranian Higher Education Association*, 4 (4). [Persian]
- Bianchi, N. (2018). *The Indirect Effects of Educational Expansions: Evidence from A Large Enrollment Increase in STEM Majors*. Retrieved from: <https://ssrn.com/abstract=3037247>.
- Cheng, Sh., & Jacob, W. J. (2012). Expansion and Stratification of Higher Educational Opportunity in Taiwan. *Chinese Education and Society*, 45 (5,6), 112-133.
- Dhesi, A. (2014). *Social Demand for Higher Education*. Guru Nanak Dev University.
- EliophotouMenon, M. (1998). Factors Influencing the Demand for Higher Education: The Case of Cyprus. *Higher Education*, 35 (5), 251-266.
- Emadzadeh, M., Akbari, N., Talebi, H., Karnameh Haghighi, H., Jafari, E. (2007). Investigating the Factors Affecting the Social Demand of Higher Education (From the Participants' Perspectives in Conkor, Esfahan, 2003-2004), *Research Journal of Isfahan University*, 28. [Persian]
- Giannakis, M., & Bullivant, N. (2016). The Massification of Higher Education in the UK: Aspects of Service Quality. *Journal of Further and Higher Education*, 40 (5), 630-648.
- Gölpek, F., & Çiftçioglu, N. (2014). Socio-economic factors in demand for higher education: sample of Gaziantep province. *International Journal of Business and Social Science*, 5(1), 121-135.

- Institute for Research and Planning in Higher Education (2017). *Statistics and information section, Higher education statistics of the country during the Recent decade*. [Persian]
- Jamshidi, L., Arasteh, H. (2013). Macroeconomic Requirements for the Quality Development of Higher Education Privatization in Iran. *Journal of the Iranian Higher Education Association*, 1 (5), 20-25. [Persian]
- Javadi Yeganeh, M. (2008). The Sociological Approach to Rational Choice Theory. *Journal of Culture Strategy*, 3, 33-64. [Persian]
- Karami, M., Pourkarimi, J., Haj Khazimeh, M., Babaei, M. (2018). Identifying and Assessing the Effective Factors on Social Demand in Higher Education (Case Study: Graduate Students of the College of Technical Schools of Tehran University). *Journal of Higher Education*, 41, 35-58. [Persian]
- Klein, M. (2016). Educational expansion, occupational closure and the relation between educational attainment and occupational prestige over time. *Sociology*, 50(1), 3-23.
- Lea, Sh. (2009). *Factors that Influence Students' Desiers to Attend Higher Education*, Submitted in Partial Fulfillment Of the Requirements for the Degree Doctor of Education. Seton Hall University.
- Li, F., Zhou, M., & Fan, B. (2014). Can distance education increase educational equality? Evidence from the expansion of Chinese higher education. *Studies in Higher Education*, 39(10), 1811-1822.
- Liu, Y., Green, A., & Pensiero, N. (2016). Expansion of higher education and inequality of opportunities: a cross-national analysis. *Journal of Higher Education Policy and Management*, 38(3), 242-263.
- Mardiha, M. (2002). *Expectations from Mass University*, Ministry of Science, Office of Cultural and Social Studies and Planning. Tehran: Ministry of Science, Research and Technology, Department of Cultural and Social Affairs, Office of Cultural and Social Studies and Planning. [Persian]
- Post, D. (1990). The social demand for education in Peru: students' choices and state autonomy. *Sociology of Education*, 63 (4), 258-271.
- Qaroun, M. (2003). The Challenges of Social Demand in Higher Education in Iran. *Journal of Parliament and Strategy*, 10(41), 293-322. [Persian]
- Qaroun, M. (2002). Estimating Social Demand for Higher Education in Iran during 2001-2009. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 8 (4), 71-118. [Persian]
- Salehi Omran, E. (2004) Theoretical Perspectives on the Development of Higher Education. *Journal of Shahed University*, 11 (5), 55-68. [Persian]
- Salehi Omran, E., Rahmani Ghahridjani, E. (2013) Employment of graduates of higher education and the need to pay attention to the job creation skills of the labor market in the design of higher education. *Quarterly of the Iranian Higher Education Association*, 5 (3), 27-58. [Persian]
- Salehi, M. (2017). Income Attraction of Higher Education Demand for Iranian Households. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 23 (2), 69-49. [Persian]
- Shalchi, V. (2013) The Thirst for Homage in Iranian Society. *Iranian Journal of Sociology*, 14 (2), 30-56. [Persian]
- Tavakol, M., (1991). *Sociology and Science*, Second ethition. Tehran: Sociology Publications. [Persian]
- Varghese, N. V. (2011). Globalization and cross-border education: Challenges for the development of higher education in Commonwealth countries. *Kuala Lumpur: International Institute for Educational Planning (IIEP)*. Available at: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000191584>